



•دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ •شماره ۱۲۱۷

#### حدیث روز

امام موسی کاظم(ع): مبدا از خرج کردن در راه طاعت خدا خودداری کنی، و آن گاه دوبرابرش ادر معصیت خدا خرج کنی.

ذکر روز دوشنبه

صدمرتبه «یا قاضی الحاجات»

#### در محضر بزرگان

#### کار بدون بسم...! ناقص است

مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی فرمود:

هر کاری را با بسم... شروع کنی خوش برکت است، خوش عاقبت است. هر کاری را بدون بسم... انجام دهیم، ناقص است. این در حدیث هم آمده است. هر کاری را بدون بسم... انجام دهید دم بریده است. دم بریده یعنی ناقص، یعنی یک طرف آن خراب است. آیا می خواهید پیغمبر(ص) از این واضح تر حرف بزند؟ به این سادگی حرف زده است. دم بریده یعنی چه؟ یعنی فایده ندارد، نصف آن نیست.

**برگرفته از: ۲۸۲ نکته از بسم...!**

#### حکایت

#### رفاقت آهن و گل

روزی قوری آهنی به قوری گلی گفت: «بیا به گردش برویم». قوری گلی گفت: «بخشید نمی توانم از آتش دور شوم زیرا ضربه اندکی مرا نابود می کند.» قوری آهنی گفت: «نترس، مانند سپهری مراقبت هستم.» قوری گلی پذیرفت و هر دو لنگ لنگان راه می پیمودند ولی با کمترین حرکتی به هم برخورد می کردند. قوری گلی چند قدمی از خانه دور نشده بود که با برخورد قوری آهنی خرد و نابود شد. با همنوع مان بیامیزیم که چنین سرنوشت شوم و بی پایه ای نداشته باشیم.

**نویسنده: ژان دو لا فونتن**  
**مترجم: ملیحه صمدی**

#### بریده کتاب

#### شادی من

من مبتلا به نوعی پار انویای وارونه ام. دائما به مردم مظلونم که دارند بر برای شاد کردن من نقشه می کشند.

**بر گرفته از «ناطور دشت» اثر جی. دی. سلینجر**

#### قرار مدار

#### روز مرفضی ساعتی

اگه شاتل هستلین می‌دونین لخت په مرفضی ساعتی هقدر زیاده. امروز اگه شرایطش ره دارین مرفضی ساعتی بگرین و برای فوئتون قدم بزلین

#### اندکی صبر

#### رود جاری

*امین دار خال*

چشمه ها خشکیده چشم ها خیس و نمور غنچه ها بسته ولی ته ذهن دهقان رود جاری ست هنوز

#### دنیا به روایت تصویر



**تلگراف** | انتقال یک مسجد تاریخی به مکان جدید تا بر اثر ساخت سد صدمه نبیند، ترکیه

#### تا حالا دقت کردین



#### با خانمان

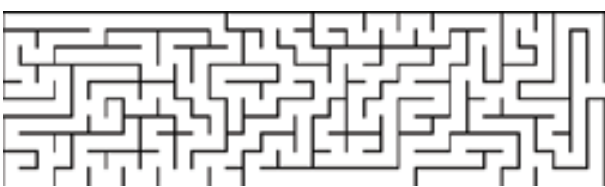
#### معضل اساسی تغییر عادات کهنه

*مهدي سا صغري خواه | طنز پرداز*

عادت‌های کهنه باگ‌های ازدواج هستند. شما همیشه امیدوارید که شریک‌تان را تغییر بدهید، البته در اینستاگرام و فضای مجازی وانمود می کنید که همین تفاوت‌هاست که به زندگی‌تان رنگ بخشیده است اما در خلوت خودتان هر لحظه او را برای هورت کشیدن لیوان چای و پرتاب کردن جوراب‌هایش به سیبل زیر مبل می‌کشید، اما خودتان را کنترل می‌کنید که این اطلاعات اصلی هیچ وقت رسانه‌ای نشوند. مگر می‌شود با آدمی که یک منبع آلودگی صوتی دایمی است، احساس خوشبختی کرد؟ روزی صد بار این سؤال را از خودتان می‌پرسید و جواب‌تان بسته به این که آنلاین هستید یا آفلاین تغییر می‌کند. سرسختی عجیب آدم‌ها برای مبارزه با تغییر عادت‌هایشان ستودنی است. اگر آن‌ها ۲۵ درصد این سرسختی را در درس خواندن داشتند ما با سرعت هشت میلیون نفر در سال در حال تولید دانشمند و پزشک و کارشناس خبره بودیم و این قدر مقالات و پایان نامه‌های همدیگر را کش نمی‌رفتیم. واقعیت این است که آدم‌ها تغییر نمی‌کنند. آن‌ها بر می‌شوند. از یک جایی به بعد شما می‌توانید صدای هورت کشیدن چای را در ذهن‌تان دایورت کنید روی موسیقی سمفونی هفتم موتزارت و هر دوتایتان از یک همزیستی مسالمت آمیز در کنار هم لذت ببرید. اما پرت کردن جوراب‌ها و نیستن در کمدها همچنان روی مخ‌تان باقی می‌ماند.

شما در مرحله دوم عملیاتی یک جانشین مناسب برای این کارهای توخمی پیدا می‌کنید. مثلاً مقابل به مثل می‌کنید. دنبال نقطه ضعف‌های هم می‌گردید و در جروبحث‌ها نامردی می‌کنید. البته با این شیوه مقصد بعدی‌تان حتماً دادگاه طلاق است. این که آدم‌ها قرار است بعدها عاشق هم شوند و این ایرادات را نبینند، چیزی شبیه وعده‌های یک نامزد انتخاباتی است که این وعده بسته به تربیون‌های تبلیغاتی آن‌ها عجیب و غریب‌تر می‌شود. باید باور کنید که عادات شریک‌تان قابلیت تبدیل شدن از یک حباب معمولی به یک التهاب داخلی را دارد. به تغییر آن‌ها امیدوار نباشید و تکنیک‌های پرت کردن حواس‌تان را یاد بگیرید. زن و مرد هم ندارد. شما می‌توانید تکنیک‌های بومی خودتان را داشته باشید. بالاخره زندگی صد سال اولش سخت است!

#### مار پیچ (سختی ۶۰٪)



#### دانستنی‌ها

#### عمیق ترین حفره های ایجاد شده روی زمین به دست بشر



اما کمتر کسی می‌داند که این رقابت فقط در حوزه اکتشافات فضایی نبود. در اواخر دهه ۱۹۵۰ هر دو کشور با هدف حفاری عمیق‌ترین سوراخ در جهان بر نامه ریزی دقیقی انجام دادند. پروژه حفاری آمریکایی‌ها «موهل» نامیده شد که بعد از پنج سال به دلیل کمبود بودجه متوقف شد. اما در سال ۱۹۷۰ روس‌ها با هدف دستیابی به اطلاعات پوسته زمین شروع به کندن این حفره کردند. با این که ۲۴ سال



**گتی ایمیج** | ساخت مجسمه برف و یخی غول پیکر، چین

#### تایخند

- از وقتی که شوفاز جای شومینه و بخاری رو گرفت شوق زمستون از خونه هارفت!
- به مناسبت شب یلدا دانشگاه بهمون آجیل و انار و موز و پرتقال و کیک و رانی داد.
- اینا خیلی مهر بون شدن، حس می‌کنم می‌خوان پایان ترم دوبار مشروط مون کنن!
- بیشتر خونه‌های ایران به اتاق داره که دماش در حد وینتر فل سرده!
- ما پسر ا هم خرید رو خیلی دوست داریم، حتی بیشتر از خانم‌ها، منتها به شرطی که پولش رویکی دیگه بده!
- این عکاس‌ها وقتی می‌خوان عکس پرسنلی بندازن به جوری سر آدم رو تنظیم میکنن انگار بعدش می‌خوان یک کشیده آبدار بخوابونن تو گوش آدم!
- یک عده انتظار دارن تو نونوایی و دارو خونه باید یک صفی باشه به عنوان «ماشینم رو بدجایی پار ک کردم»!

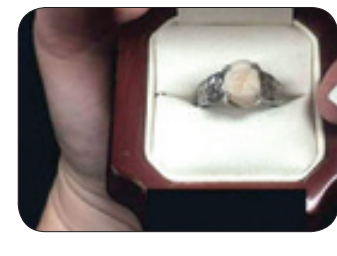
#### دور دنیا

#### فیل هنر مند



تبدیل شده است. آندریال یکی از ۳۲ فیلی است که در اردوگاه فیل‌های متعلق به معابد به نام تاکامپاتی زندگی می‌کند. در این اردوگاه از فیل‌ها به خوبی مواظبت می‌کنند و به آن‌ها غذا و در صورت ضرورت دارو می‌رسانند. فیل‌های متعلق به معابد را به رنگ‌های درخشان در می‌آورند و از آن‌ها در جشنواره‌های مذهبی استفاده می‌کنند.

#### دندان عقل به جای نگین حلقه

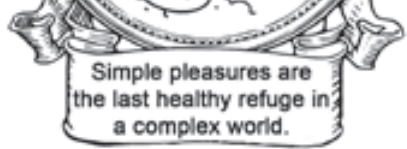


**اسپوتنیک**– یک مرد کانادایی با حلقه‌ای از نامزدش خواستگاری کرد که به جای نگین، دندان عقل داماد در آن به کار رفته است!

عده‌ای از کاربران شبکه‌های مجازی این عمل را چندانس آور بیان کردند. عده‌ای دیگر نیز با نگاه طنزآمیزی معتقدند که او باید هر شب حلقه خود را مسواک کند! بعضی نیز معتقدند که با سنگ کلیه هم می‌توان از این خلاقیت‌ها ارائه داد! عده‌ای از کاربران هم نوشتند داماد با این کار خواسته است پیام مهمی به بقیه بدهد،

یعنی عقلم را دادم وزن گرفت! عمر این نگین کمتر از یک هفته خواهد بود.

#### انگلیش آموزی



خوشی‌های ساده، آخرین پناهگاه مصلحت‌انسان در این دنیای پیچیده است.



**رویترا** | مردی با الاغ رنگ کرده شبیه گورخر در خیابان‌های مکزیک!

#### تفال

**دیشب گله زلفش با باد همی کردم**

**گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی**

**صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند**

**این است حریف‌ای دل تا باد نیپمایی**

#### افسانه‌های نوین

#### رهگذر فضول و خلا فکار الاغ سوار



***علکساندر کاربراتور** | مورخ، مولف و عمود منصف*

روزی از روزها در زمان‌های قدیم(نه خیلی قدیم، یک کم جدیدتر... آهان همین برهه تاریخی خوبه!) طبق معمول افسانه‌های این ستون، مردی بیکار مشغول قدم زدن در ولایت بود که چشمش به جمعیتی افتاد که مشغول تماشا و تشویق کردن صحنه‌ای بودند. از آن جایی که این مرد داستان ما همیشه علاف است، با خودش گفت: «برم ببینم چه خبره، بهتر از اینه که الکی برای خودم ول بچرخم و کف گیوه‌هام ساب بره، اونم تو این اوضاع گرونی گیوه و خدمات جانبی‌اش!» و با عجله خودش را به جمعیت رساند.

دیدم مردم در حال تماشای شخصی هستند که روی الاغی نشسته و ماموران او را در کوچه و خیابان می‌گردانند. مردم سر از پا نمی‌شناختند و با دست و جیب و هورا، مرد الاغ‌سوار را همراهی می‌کردند. مرد رهگذر با خودش فکر کرد لابد این رسمی است که اگر کسی الاغ جدیدی بخرد با خدم و حشم در شهر می‌چرخد تا چشم بقیه از حسادت بترکد و مردم هم برای این خوشحالی می‌کنند تا مرد نفهمد که آن‌ها حسودی می‌کنند! (مرد داستان ما خیلی از روزگار خودش جلوتر بود، چون این رسم بعد از قرن‌ها رواج یافته و تازه الان این کار مرسوم است!) برای همین رو کرد به بغل دستی‌اش و افزود: «مدلش چیه؟» بغل دستی که دوزاری‌اش نیفتاده بود افزود: «جان؟!» رهگذر با لبخند افزود: «منظورم مدل الاغه! به نظر که نونمید.» بغل دستی به زور دوزاری‌اش راجا انداخت و افزود: «داداش الان الاغ مورد نظر نیست، اون بالای الاغ اصل قضیه است! طرف گندم دزدیده و الان دارن تو شهر می‌چرخونش تا آبروش بره!» مرد رهگذر با دقت به قیافه مرد الاغ‌سوار نگاه کرد و خنده‌اش گرفت. بغل دستی با تعجب به او نگاه کرد و افزود: «جان؟!» رهگذر خنده‌اش را قورت داد و افزود: «این یارو که گندم‌ها رو خورده، الاغ سواری هم می‌کنه، این چه جور مجازات کرده؟» بغل دستی پوزخندی زد و افزود: «این‌ا مقدمه است، می‌برنش به حسابش برسن که از دماغش در بیاد!»

رهگذر با نشیدن این جمله حساب کار دستش آمد و یک دست به دماغش و یک دست به کلاشه، پا به فرار گذاشت تا درسی شود برای کسانی که در کارهایی که نمی‌دانند دخالت نکنند!

#### نشر اکاذیب

#### خانه شیطانی



همیشه در کتاب‌ها یا فیلم‌ها داستان‌هایی در باره خانه‌های نفرین شده یا بدشگون می‌خوانیم و می‌بینیم این خانه‌ها چه بلایی بر سر ساکنان یا همسایگان‌شان می‌آورد. ولی این بار موضوع یک خانه خاص به صورت مستند ثبت شده است. هفته پیش عکس خانه‌ای منتشر شد که با دهان باز منتظر رهگذران است تا آن‌ها را برابعد. به گفته عکاس ناشناس که مکان دقیق این خانه را اعلام نکرده است،

در ست در لحظه‌ای که یک پیک رستوران از مقابل در خانه عبور کرده است، دهان خود را باز کرده و پیک و پیتزا و نوشابه و سالاد و سیب زمینی سرخ کرده با سس تند همراهش را خورده است. کاربران از این که مکان این خانه مشخص نشده بسیار ترسیده و نوشته‌اند ممکن است این خانه اهریمنی همسایه هر یک از ما باشد!

#### ماوشما

**راه ر تباطی‌با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶**

- \* مطلب «تأثیر آب و هوا...» در ستون دی روز نامه کاملاً به جا و درست بود. واقعا بعضی از ما نمی‌دانیم با خودمان چند چندیم!
- \* پنجم‌دی تولدمه‌ولی فکر نمی‌کنم شوهر می‌ادش باشه. خواهش می‌کنم شما پیام رو چاپ کنید تا پنجم بهش نشون بدم.
- \* آتش‌زر
- \* آق کمال شب چلگیت مبارک، نمستی یگ عکس خویش انداز
- بیگیری روی ماهته ببینم؟ یعنی خدا وکیلی درسته پشتت کردی به مردم؟
- مجید شادلو**
- آق کمال:** همش تقصیر عکاسه، انگار با موللجه!